

Research Article
**Recitation of the explanatory components of
the sermons of the lady of Karbala Hazrat
Zainab (PBUH), in Kufa and Sham**

Shamsollah Mariji¹

Received: 19/05/2022

Accepted: 15/06/2023



Abstract

Explanation and clarification are essential requirements in both the field of thought and the field of action, and neglecting them can lead to irreparable consequences. God has established obligations based on this principle and considers its absence as a criterion for removing the pen. Scholars are also committed to spreading awareness. Iran's Islamic Revolution was undoubtedly one of the significant socio-political phenomena that occurred at the end of the 20th century. Its emergence and continuation have overshadowed many national and international transactions and events. The extremist groups have always tried to remove it from the field, and its continuation has angered them. Therefore, the wise leader, as the helmsman of the revolution, emphasized the importance of explaining it and clearly tasked the thinkers and knowledgeable individuals with making the new generation aware of the realities of the revolution and protecting it with their jihad of explanation. Undoubtedly, the Ashura uprising is one of the great human phenomena that would not

1. Professor, Faculty of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. mariji@bou.ac.ir

* Mariji, Sh. (1402 AP). Recitation of the explanatory components of the sermons of the lady of Karbala Hazrat Zainab (PBUH), in Kufa and Sham. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(41). pp. 9-33. DOI: 10.22081/JISS.2023.66280.2007

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

have been possible without Zainab Kobra. If it were not for her, Karbala would have remained just a place, and those who were thirsty for the truth and knowledge of Hosseini would have been deprived of that bright source of freedom and the path of true service. They would have wandered on an uneven road, captive to happiness. This article aims to reread the sermons of the Lady of Karbala movement in Kufa and Sham using library documents and data and, of course, the content analysis method. It has identified several useful explanatory components, including the inevitability of explanation, analysis of the current situation, warning about the future, litigation and trial of the enemy, and explaining the failure of the enemy. The re-read components of the sermons of the Lady of Karbala can serve as a suitable light for the jihadists of the Explanation Front. They can take effective steps on the path of Explanation Jihad by following this light..

Keywords

Hazrat Zainab (PBUH), explanation, methodology, sermons, Islamic revolution.

مقاله پژوهشی

بازخوانی مؤلفه‌های تبیینی خطبه‌های بانوی کربلا در کوفه و شام

شمس‌الله مریجی^۱

©Author(s).

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹



چکیده

تبیین و روشن‌گری در عرصه اندیشه و در میدان عمل از بایسته‌هایی است که غفلت از آن پیامدهای جبران‌ناپذیری خواهد داشت، خدای حکیم نیز از یک سو هرگونه تکلیفی را بر پایه آن بنا نهاده و نبود گاهی را معیار رفع قلم بر شمرده و از سویی دیگر نیز از عالمان تعهد گرفته است تا در جهت آگاهی‌بخشی تلاش کنند. انقلاب اسلامی ایران بی‌تردید یکی از پدیده‌های سیاسی-اجتماعی مهم پایان سده بیستم بود که نه فقط ظهورش، بلکه استمرار آن بسیاری از معاملات و اتفاقات ملی و بین‌المللی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ به عیان دیدیم که استمرار آن زیاده‌خواهان را عصبانی کرده و همواره در تلاش بوده تا آن را از میدان خارج کنند؛ بنابراین رهبر فرزانه به عنوان سکاندار انقلاب بارها تبیین آن را مورد تأکید قرار داده و به صراحت اندیشمندان و آگاهان را تکلیف کرده تا با توانمندی خود نسل نو را از واقعیت‌های انقلاب آگاه کرده و با جهاد تبیین خود، از نعمت بزرگ انقلاب اسلامی صیانت کنند. بدون شک، قیام عاشورا یکی از پدیده‌های عظیم بشری است که اگر نبود زینب کبری علیها السلام، کربلا در کربلا می‌ماند و تشنگان حقیقت و معرفت حسینی از آن چشمه نورانی حریت و راه بندگی حقیقی، محروم مانده و در راه ناهموار، اسیر رسیدن به سعادت می‌گشتند؛ نوشتار پیش رو، با

mariji@bou.ac.ir

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

* مریجی، شمس‌الله. (۱۴۰۲). بازخوانی مؤلفه‌های تبیینی خطبه‌های بانوی کربلا در کوفه و شام. فصلنامه علمی -

پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۱)، صص ۹-۳۳.
DOI: 10.22081/JISS.2023.66280.2007

پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۱)، صص ۹-۳۳.

استفاده از اسناد و داده‌های کتابخانه‌ای و البته بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا در صدد است خطبه‌های بانوی نهضت کربلا در کوفه و شام را بازخوانی کرده و مؤلفه‌های تبیینی بسیار مفیدی را شناسایی نموده است که برخی از آنها عبارتند از: اجتناب‌ناپذیری تبیین؛ تحلیل وضع موجود؛ هشدار نسبت به آینده؛ دادخواهی و محاکمه دشمن؛ تبیین ناکامی دشمن و...؛ بدون تردید مؤلفه‌های بازخوانی شده از خطبه‌های بانوی کربلا می‌تواند چراغ راه مناسبی برای جهادگران جبهه تبیین باشد، تا در پرتو آن بتوانند در مسیر جهاد تبیین گام‌های موثری بردارند.

کلیدواژه‌ها

بانوی کربلا، تبیین، روش‌شناسی، خطبه‌ها، انقلاب اسلامی.

مقدمه

اگرچه در سده گذشته در ادبیات جدید غرب موضوع روشنگری مورد عنایت ویژه قرار گرفته و گروهی نیز این مهم را رسالت خود پنداشته و به عنوان روشنفکر، به تبیین و روشنگری پرداخته‌اند، اما در فرهنگ دینی به ویژه اسلام، اهمیت تبیین و آگاهی‌بخشی به قدری است که خدای حکیم نیز پیش شرط هر گونه تکلیفی در میدان عمل و عرصه اندیشه را بر پایه آن بنا نهاده و قلم را نیز بر پایه آن تشریح کرده تا آنجا که نبود گاهی را شرط رفع قلم و تکلیف بر شمرده است. هر چند این موضوع در عرصه علمی بروز و ظهور بیشتری داشته و بیشتر در حوزه علم و دانش مورد گفتگو قرار می‌گیرد، اما ابتکاری که رهبر معظم انقلاب در سال‌های گذشته در این باره داشتند این بود که از این اصطلاح در حوزه سیاسی به ویژه انقلاب اسلامی استفاده کرده و اندیشمندان را به این امر فرا خواندند.

پدیده انقلاب اسلامی بی‌تردید یکی از پدیده‌های سیاسی-اجتماعی مهم پایان سده بیستم بود که نه فقط در ایجادش، بلکه استمرار آن بسیاری از معادلات ملی و بین‌المللی را تحت الشعاع خود قرار داده است، بنابراین وجودش نه فقط خوشایند زیاده‌خواهان نبوده بلکه در صدد حذف آن هستند. این حقیقت موجب شده تا رهبر فرزانه انقلاب اخیراً ضرورت تبیین را مورد تأکید قرار داده و اندیشمندان را تکلیف نمایند تا از توانمندی خود در این امر مهم بهره گرفته و از نعمت بزرگ انقلاب اسلامی و ره‌آوردهای بی‌نظیر آن محافظت نمایند.

بدون شک، نهضت عاشورا یکی از پدیده‌های عظیم بشری است که در سرزمین نینوا اتفاق افتاده و به راستی اگر زینب کبری علیها السلام نبود، کربلا در کربلا می‌ماند و نه فقط تشنگان حقیقت و معرفت حسینی از آن چشمه نورانی نهضت حسینی محروم می‌ماندند، بلکه راه و رسم آزادگی در برابر بیدادگری و صد البته مرام بندگی حقیقی در برابر ذات اقدس الهی در میان تاریکی‌ها و تزویرهای اموی و عباسی پنهان می‌گشت و راه پرستش شیطان هموار می‌گردید؛ چنانچه امام خامنه‌ای فرمودند: «این بزرگوار-حضرت زینب- جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از

حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری علیها السلام از حادثه عاشورا در تاریخ مانده، در همان زمان هم در شام، در کوفه و در مجموعه سال‌های حکومت اموی تأثیر گذاشت و به ساقط شدن حکومت اموی منتهی شد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

نگارنده بنا دارد تا از روش تحلیل محتوای خطبه‌های بانوی کربلا در شهرهای کوفه و شام، روش تبیین آن را مورد کاوش قرار داده تا اندیشمندان بتوانند با پیروی از روش تبیینی آن حضرت، در مسیر جهاد تبیین گام‌های موثری برداشته و اجازه ندهند تا نورانیت انقلاب در پشت ابرهای تیره بریریت پیشرفته غربی و غرب‌گرایان در فضای مجازی و حقیقی، پنهان بماند و مشتاقان حقیقت را از شناخت این انفجار نور محروم نماید.

۱. معنای تبیین

«تبیین» که از ریشه «بَیِّن» گرفته شده، به معنای روشن کردن چیزی برای کسی است، بیان در باب تفعیل معنای «روشی» را نیز می‌رساند (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۱، صص ۲۵۵-۲۵۹). این کلمه در فرهنگ عمید، به معنای بیان کردن، آشکار ساختن و توضیح دادن است (عمید، ۱۳۶۳، ص ۳۷۴). علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز در تفسیر المیزان منظور از تبیین را کشف و پرده‌برداری از علل احکام و قوانین روشنگری اصول و معارف و علوم ذکر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹۵). بر این اساس تبیین به عنوان یک روش، متکفل روشن کردن و هدایت چیزی برای دیگری است، امر بسیار مهمی که خداوند نیز در آیات متعددی همچون «فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ» (انعام، ۱۵۷) بر آن تأکید کرده و آن را نه فقط از شئون ربوبیت خود دانسته؛ بلکه مطابق آیه: «أَنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامت، ۱۹) بر خود واجب می‌داند. اهمیت تبیین بدان جهت است که تبیین، اساسی‌ترین مرحله هدایت انسان بوده و هدایت الهی با تبیین از سوی خداوند و انبیا الهی شروع شده و با اعمال صالح تحقق پیدا خواهد نمود. بدیهی است که عواملی در اثربخشی تبیین موثرند که بدون توجه به آن، تبیین اثرگذاری خود را دست خواهد داد. عواملی همچون زبان و فرهنگ مردم، استدلال روشن، قاطع و کافی؛ نگاه واقع‌گرایانه؛ استفاده از تمثیل و تشبیه؛

عبرت آموزی؛ تحریک انگیزشی (وجدانی و دیگران، ۱۳۹۲). صد البته اگر همه عوامل توسط تبیین کننده رعایت شود، وضعیت مخاطبان نیز در تاثیرپذیری مهم است، چون تبیین گر و توانمندی او یک سوی فرایند تبیین است، اگر مخاطب وضعیت لازم پذیرش را نداشته باشد، تبیین کننده حتی اگر نبی مکرم اسلام ﷺ هم باشد، فرایند تبیین تحت الشعاع قرار خواهد گرفت؛ آیه شریفه «إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ» (نمل، ۸۰) به خوبی واقعیت مذکور را متذکر می‌شود؛ بنابراین تبیین کننده باید اولاً به موضوع بحث و محتوای آموزه‌ای که می‌خواهد آن را تبیین کند تسلط کافی داشته باشد تا بتواند مطلب را به دیگری به خوبی القا کند. روشن است که اگر متکلم تصور واضحی از مطلب نداشته باشد، نخواهد توانست تبیین خوب و درستی برای مخاطب داشته باشد؛ از این رو از شرایط ضروری برای تبیین گر، تسلط بر موضوع و محتوای بحث است. ثانیاً متکلم در مقام تبیین باید به روش‌های گوناگون تبیین نیز تسلط داشته باشد و نباید همیشه از شیوه و سبک واحد استفاده کند. ثالثاً متکلم باید مخاطب‌شناس باشد. متکلم بدون شناخت مخاطب به لحاظ پیش فرض‌ها و منابع مورد قبولش نمی‌تواند تبیین خوبی داشته باشد. اگر مخاطب را نشناسد و نداند که به طور مثال سنت غیر نبوی را قبول ندارد و بخواهد از سنت غیر نبوی استفاده کند، طبیعی است که نتوانسته است مفاهیم درستی را پایه‌ریزی کرده باشد و یا اگر نداند شخص از جهت مبانی با او مشترک است شاید در تبیین مسئله راه طولانی را طی کند و مقدماتی را بیان کند که نیازی به بیان آن نبوده و از مشترکات نظری هر دو به شمار می‌رفت. رابعاً متکلم باید به شرایط زمان و مکان آشنا بوده و آنها را مراعات کند و بدانند در چه محیط و شرایطی دست به تبیین می‌زند.

۲. عقیده بنی هاشم

با عنایت به اینکه هدف این تحقیق بازخوانی مؤلفه‌های تبیین خطبه‌های بانوی بزرگ کربلا است، اما برای اینکه بدانیم که این بانو چه مصیبت‌هایی دیده است، به کلام استاد اخلاق آیت الله شب زنده‌دار اشاره می‌شود که در سال ۱۳۶۷ در کلاس درس اخلاق

فرموده بود: «هرگاه مشکلات بر من احاطه می‌کند، دو دست خود را به بالا گرفته و خدا را به دل پر خون زینب کبری علیها السلام قسم می‌دهم و خداوند مرا از شر آن مشکلات نجات می‌دهد»، این حقیقت را نمی‌توان پنهان کرد که حضرت زینب علیها السلام در طول سال‌های زندگی خود با حوادث و مصیبت‌های بسیار تلخی رو به رو شد تا آنجا که به «ام‌المصائب» شهرت یافت.

در باره فضیلت‌های آن بانوی صبر گفته‌اند: فضیلت‌ها، برتری‌ها، خصلت‌های جلالت قدر، علم و عمل، عصمت و عفت، نورانیت و روشنائی و شرف و زیبایی‌اش همچون مادرش حضرت زهرا علیها السلام است (الهی، ۱۳۷۵، صص ۸۳-۸۴). آن حضرت زنی دانشمند، سخنور، فصیح و بلیغ و نایب خاص امام حسین علیه السلام در بیان حلال و حرام الهی بود و روایت است که در اسارت هنگامی که امام سجاد علیه السلام بیمار بودند، مردم در حلال و حرام به زینب علیها السلام مراجعه می‌کردند و او هم پاسخ آنان را می‌داد (نقدی، ۱۳۹۴، ص ۳۵). امام صادق علیه السلام برای جواز چاک‌دادن گریبان در مصیبت فقدان پدر و برادر و... به فعل و عمل زینب علیها السلام در جریان کربلا استناد می‌کند (نجفی، ۱۴۳۲، ج ۴، ص ۳۰۷). کلام امام سجاد علیه السلام در خطاب به عمه که: «یا عمه انت بحمد الله عالمة غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۴۵، ص ۶۴) خود گویاست که حضرت زینب علیها السلام علم و دانش خود را از طریق دیدن استاد و معلم به دست نیاورده، بلکه از جانب خدای تعالی به آن حضرت اعطاء شده است.

۳. بازخوانی خطبه‌ها

نکته‌ای که پیش از نگاه به خطبه آن حضرت باید در نظر داشت این است که خطبه‌های او در کوفه و شام یکسان نیست؛ چون دو شهر از جهاتی با یکدیگر متفاوت است، کوفه پیش از این دارالحکومه امام معصوم علیه السلام و عادل و منصوب الهی بود و شام تا به آن روز تحت حاکمیت غاصبانی بود که هیچگاه به اسلام و دین محمد صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده بودند، صدا البته روشن است که مردم آن شهر شهد شیرین اسلام ناب و معارف الهی را نوش نکرده بودند، نه تنها امام مسلمین را یاری نکردند، بلکه در مقابلش شمشیر کشیدند. اما

کوفیان چند سال تحت فرمان معصوم‌ترین مخلوق عالم بوده و از لسان الهی او معارف الهی و آموزه‌های نبوی را شنیدند و عالی‌ترین مصداق بندگی و عبودیت را از رفتار و گفتار امیرالمومنین علیه السلام به نظاره نشستند. این حقیقت به یقین در نوع تبیین بانوی کربلا در این شهر و شام سفیانی تاثیر خواهد داشت. ابتدا این دو خطبه را اینجا بازنویسی کرده و سپس شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و تفاوت‌ها را مورد توجه قرار خواهیم داد.

۳-۱. متن خطبه کوفه

بشیر بن خزیم اسدی می‌گوید: «در آن روز به زینب دختر علی علیه السلام نگریستم که خطبه می‌خواند و هرگز زنی را سخنورتر و زبان‌آورتر از او ندیدم. گویا زبان علی علیه السلام در کام اوست و با زبان امیرمؤمنان علی علیه السلام سخن می‌گوید. به سوی مردم اشاره کرد که «ساکت شوید!» ناگاه نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و زنگ کاروان‌ها از حرکت ایستاد، سپس آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی و درود بر محمد و خاندان پاکش چنین فرمود:

أَمَا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْحَثَلِ وَالْعَدْرِ وَالْحَذَلِ وَالْمَكْرِ، أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هِدَاةَ الرَّفْرَةِ، إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ، هَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلِيفُ وَالْعُجْبُ وَالشَّنْفُ وَالْكَذِبُ وَمَلَقُ الْأَمْءَاءِ وَغَمْرُ الْأَعْدَاءِ، أَوْ كَمَرَعَى عَلَى دِمْنَةٍ، أَوْ كَفِضَةِ عَلَى مَلْحُودَةٍ، أَلَا بَيْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ.

أَتَبْكُونَ أَخِي؟! أَجَلٌ وَاللَّهِ فَابْكُوا فَإِنَّكُمْ أَخْرِيَاءُ بِالْبِكَاةِ، فَابْكُوا كَثِيرًا وَأَضْحَكُوا قَلِيلًا، فَقَدْ بَلَّيْتُمْ بَعَارِهَا وَمَنِيْتُمْ بِشِنَارِهَا، وَ لَنْ تَزْحَضُوهَا أَبَدًا، وَ أَنِي تَزْحَضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، وَ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ مَوْلَا حَرِيمِكُمْ، وَ مَعَاذِ حُرْبِكُمْ، وَ مَقَرِّ سَلْمِكُمْ، وَ آسَى كَلْمِكُمْ، وَ مَفْرَعِ نَازِلِكُمْ وَ الْمَرْجِعِ إِلَيْهِ عِنْدَ مَقَاتِلِكُمْ، وَ مَدْرَةِ حُجَجِكُمْ، وَ مَنَارِ مَحَجَّتِكُمْ، أَلَا سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ سَاءَ مَا تَزْرُونَ لِيَوْمِ بَعْثِكُمْ، فَتَعْسًا تَعْسًا، وَ نُكْسًا نُكْسًا، لَقَدْ خَابَ السَّعْيُ، وَ تَبَّتِ الْأَيْدِي،

وَ حَسِرَتِ الصَّفَقَةُ، وَ بُؤِثُتُمْ بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ، وَ ضُرِبَتْ عَلَيْكُمْ الدَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ.
 أَتَدْرُونَ وَ يَلِكُمْ اِى كَيْدٍ لِمَحَمَّدٍ ﷺ فَرْتُمْ؟ وَاى عَهْدٍ نَكَلْتُمْ؟ وَاى كَرِيْمَةٍ لَهْ
 اُبْرُؤْتُمْ؟ وَاى حُرْمَةٍ لَهْ هَتَكْتُمْ؟ وَاى دَمٍ لَهْ سَفَكْتُمْ؟ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا اِذَا، تَكَاذُ
 السَّمَاوَاتِ يَتَفَطَّرُونَ مِنْهُ، وَ تَنْشَقُّ الْاَرْضُ، وَ تَخْرُ الْجِبَالُ هَذَا. لَقَدْ جِئْتُمْ بِهَا شَوْهَاءَ
 صَلْعَاءَ سَوْدَاءَ فَقَمَاءَ حَزَقَاءَ طِلَاعَ الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ، اَفَعَجِبْتُمْ اَنْ تُمَطَّرَ السَّمَاءُ دَمًا،
 وَ لَعْدَابُ الْاَخِرَةِ اُخْرَى وَ هُمْ لَا يُنْصَرُونَ، فَلَا يَسْتَخَفُّكُمْ الْمَهَلُ، فَاِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 لَا يَخْفِزُهُ الْاِدْرَاءُ، وَ لَا يُخْشَى عَلَيْهِ فَوْتُ النَّارِ، كَلَّا اِنَّ رَبَّكَ لَنَا وَ لَهُمْ بِالْمُؤَصَّدِ
 (احتجاج طبرسى، ۱۳۸۶ق، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۴).

۳-۱-۱. مولفه‌های خطبه

۳-۱-۱-۱. اجتناب‌ناپذیری تبیین

یکی از بایسته‌های پیشینی تبیین این است که وضعیت شخصی و شرایط اجتماعی نمی‌تواند مانع امر مهم تبیین باشد، رفتار علی‌گونه زینب کبری علیها السلام در آن شرایط اجتماعی که بنی‌امیه در کوفه و شام ایجاد و زبان افراد را در کام حبس کرده و کسی اجازه مخالفت رفتاری و گفتاری نداشت و صدا البته وضعیت شخصی آن حضرت که زنی است که دیروز داغ شش برادر و دو فرزند و ده‌ها نفر از بستگان و اصحاب با وفای پدرش را دیده و اکنون با اسیری به سوی شام می‌رود، باید چنان پریشان و افسرده حال و ناتوان باشد که حتی سخن گفتن عادی خویش را فراموش کند. اما می‌بینیم همچون شیری می‌غزد و همچون طوفانی سهمگین می‌خروشد و سیلی از ملامت و سرزنش را به سوی بی‌وفایان کوفه سرازیر می‌سازد و قلوب و عواطف را تسخیر می‌کند و بذر انقلاب را بر ضد حکومت جائر بنی‌امیه در سرزمین دل‌ها می‌پاشد؛ این حرکت بانوی کربلا به خوبی نشان می‌دهد که وضعیت شخصی سخت و شرایط اجتماعی نامناسب نمی‌تواند امر مهم تبیین را به محاق برده و افراد به بهانه آن خود را از این مهم معاف می‌داند و واقعیت‌ها را روشن ننموده و افراد را از رسیدن به حقیقت محروم کرده و راه زیاده‌خواهی را هموار سازند.

۳-۱-۲. یادآوری گذشته افراد و جامعه

یکی از مؤلفه‌های تبیین بانوی کربلا در این خطبه، یادآوری گذشته افراد و جامعه است، چون یکی از معضلاتی که افراد و جوامع بشری به آن مبتلا می‌شوند این است که بسیار زود گذشته مثبت یا منفی خود را فراموش می‌کنند؛ به همین جهت حضرت با این جمله که «شما همانند آن زنی هستید که رشته خود را پس از بافتن و تاییدن و می‌تابید...» (احتجاج طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۴). اشاره به گذشته عزتمندشان دارد که آزاد مردانی بودند که در رکاب امیرالمومنین علیه السلام سربازی می‌کردند و با این سخن، مزدوری آنان برای عییدالله را مورد نکوهش قرار می‌دهد. یا در آن بخش از سخنان حیدری اش که «تلاشایان تباه، دستهایان بریده و کالایان [در بازار این جهان] گرفتار خسارت باد؛ شما به خشم خدا گرفتار گشته و خواری و بیچارگی بر شما حتمی شد!» (احتجاج طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۴). اشاره دارد که گذشته نیکوی خود را تباه کردند.

۳-۱-۳. تحلیل وضع حال افراد و جامعه

یکی دیگر از مؤلفه‌های تبیینی این خطبه، روشن کردن وضعیت و واقعیت‌هایی است که جامعه به آن مبتلا شده است. گاهی افراد به درستی درک نمی‌کنند که در چه موقعیتی روزگار سر می‌کنند، و این امر فرق نمی‌کند مثبت باشد یا منفی، گاهی ممکن است فرد یا جامعه در موقعیتی مناسب قرار داشته باشند اما گمان می‌کنند که وضع بدی دارند، به طور مثال وضعیت اقتصادی اش مناسب است، اما به تعبیر جامعه‌شناسان، احساس فقر می‌کند. این در حالی است که امور مادی و وضعیت اقتصادی ملموس‌تر و قابل فهم‌تر از امور معنوی و وضعیت اخلاقی فرد و جامعه است و تبیین در این امور مهم‌تر و ضروری‌تر است.

زینب کبری علیها السلام در بخشی از سخنانش وضع حال کوفیان و رفتار زشت آنان را این‌گونه ترسیم می‌کند: «در میان شما جز لاف‌زدن، خودپسندی، دشمنی، دروغ، تملق و چاپلوسی کینزکان و کینه‌توزی دشمنان نیست... وای بر شما! آیا می‌دانید چه جگری

را از محمد ﷺ شکفتید؟ و چه پیمانی را گسستید؟ و چه حرم ارزشمندی از رسول خدا ﷺ را آشکار کردید و چه حرمتی را از او هتک کردید؟ و چه خونی را از او بر زمین ریختید؟ به راستی کار زشت و وحشتناکی انجام داده‌اید، که نزدیک است به سبب این کار، آسمان‌ها از هم متلاشی گردد، زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد! کار شما، زشت، بسیار خطرناک، تیره و تار، وخامت‌بار و نادرست و زشتی آن به گستردگی زمین و آسمان بود. آیا اگر از آسمان خون بیارد تعجب می‌کنید؟ بدانید که عذاب آخرت برای شما خوارکننده‌تر است و آنان (= جنایتکاران) هرگز یاری نمی‌شوند (احتجاج طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۴).

۳-۱-۴. هشدار نسبت آینده افراد و جامعه

هشدار نسبت به آینده افراد و جامعه نیز از جمله مؤلفه‌های دیگر تبیین زینبی است، ایشان در بخش دیگر از بیانات روشنگرایانه خود پیامد رفتار زشت و ناپسند آنان را (که برخی از آنها با نبود لیبک به هل من ناصر سیدالشهدا و برخی با همراهی عبیدالله و قتل شهید کربلا و برخی هم با سکوت خود) راه آن حادثه جانسوز را هموار کرده بود، این گونه اشاره می‌کند: «اگر از آسمان خون بیارد تعجب می‌کنید؟ عذاب آخرت برای شما خوارکننده‌تر است... مهلت خداوند شما را مغرور نسازد، چرا که خداوند کاری شتابزده نمی‌کند و انتقام خون مظلوم هرگز از او فوت نمی‌شود، به یقین پروردگار در کمین ما و شماست... آگاه باشید که برای آخرت خویش بد چیزی را از پیش فرستادید؛ خشم خدا شما را فرا خواهد گرفت و برای همیشه در عذاب جهنم خواهید ماند» (احتجاج طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۴).

۳-۱-۵. تحلیل رفتار افراد و جامعه

بی‌تردید یکی از وظایف تبیین‌کننده این است که رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی افراد تحلیل شود تا از آن درس گرفته و در صورت باطل بودنش راه اصلاحی را در پیش گرفته و در صورت صحت و درستی‌اش به تقویت و استمرارش اقدام ورزند.

گاهی افراد متوجه اهمیت رفتار خود نبوده و نمی‌دانند که آن رفتاری که در پیش گرفته چه پیامدهای مثبت و یا منفی برای فرد و جامعه به همراه دارد. حضرت زینب علیها السلام در بخشی از سخنانش، زشتی رفتار کوفیان را این‌گونه بیان می‌کند: «چه پیمانی را گسستید؟ و چه حرم ارزشمندی از رسول خدا صلی الله علیه و آله را آشکار کردید و چه حرمتی را از او هتک کردید؟ و چه خونی را از او بر زمین ریختید؟ به راستی کار زشت و وحشتناکی انجام داده‌اید، که نزدیک است به سبب این کار، آسمان‌ها از هم متلاشی گردد، زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد... شما شایسته گریستن‌اید؛ پس فراوان گریه کنید و اندک بخندید؛ چرا که ننگ گریبان شما را گرفت و لکه آن برای همیشه به دامن شما نشست که هرگز نمی‌توانید آن را پاک کنید. چگونه می‌توانید این لکه ننگ را پاک کنید؟ کشتن فرزند خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله، معدن رسالت و آن کس که سرور جوانان اهل بهشت است» (احتجاج طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۱۴).

۲-۳. متن خطبه شام

فَقَامَتْ رَيْبُ بْنُ عَلِيٍّ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ صَدَقَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ كَذَلِكَ يَقُولُ «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسْأَلُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم، ۱۰). أَظَنَنْتِ يَا بَرِيدُ حَيْثُ أَخَذْتِ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَ آفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسْرَاءُ أَنْ بِنَا هَوَانًا عَلَيْهِ وَ بِكَ عَلَيْهِ كِرَامَةٌ وَ أَنْ ذَلِكَ لِعِظَمِ حَطَرِكَ عِنْدَهُ فَشَمَحْتَ بِأَنْفِكَ وَ نَظَرْتَ فِي عِطْفِكَ جَدْلَانِ مَسْرُورًا حَيْثُ رَأَيْتِ الدُّنْيَا لَكَ مُسْتَوْنَقَةً وَ الْأُمُورَ مُتَسِقَةً وَ حِينَ صَفَا لَكَ مُلْكُنَا وَ سُلْطَانُنَا فَمَهْلًا مَهْلًا أُنْسِيَتْ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيُزِيدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (آل عمران، ۱۷۸) أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ تُحَدِّدُكَ حَرَائِرُكَ وَ إِمَاءُكَ وَ سَوْفُكَ بِنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَبَابًا قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَ أَبَدَيْتِ وَجُوهَهُنَّ تُحَدِّدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءَ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَ الْمَنَاقِلِ وَ يَتَصَفَّحْنَ وَجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الدُّنَى وَ الشَّرِيفُ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَ لِي وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِي وَ كَيْفَ يُزْتَجَى مُرَاقَبَةٌ مِنْ لَفْظِ قُوَّةِ أَكْبَادِ الْأَرْكَبَاءِ وَ بَتَّ لَحْمُهُ مِنْ

دِمَاءَ الشُّهَدَاءِ وَ كَيْفَ يَسْتَبْطِئُ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا بِالشَّنْفِ وَ الشَّنَانِ وَ
 الْإِحْنِ وَ الْأَضْعَانِ ثُمَّ تَقُولُ غَيْرَ مُتَأْتِمٍ وَ لَا مُسْتَعْظِمٍ لِأَهْلُهَا وَ اسْتَهْلُوا فَرَحًا/ ثُمَّ قَالُوا يَا زَيْدُ
 لَا تُسَلِّمْ مُتَّحِيًا عَلَيَّ ثِنَا يَا أَبَى عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَنَكُّتُهَا بِمُخَصَّرَتِكَ وَ كَيْفَ لَا
 تَقُولُ ذَلِكَ وَ قَدْ نَكَاتِ الْقَرْحَةَ وَ اسْتَأْصَلْتَ الشَّافَةَ بِإِرَاقَتِكَ دِمَاءَ ذُرِّيَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ نُجُومِ
 الْأَرْضِ مِنْ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ تَهْتِفُ بِأَشْيَاخِكَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُنَادِيهِمْ فَلْتَرِدَنَّ وَ شَيْكَأ
 مَوْرِدُهُمْ وَ لَتَوَدَّنَّ أَنَّكَ سَلَلْتَ وَ بَكِمْتَ وَ لَمْ تَكُنْ قُلْتَ مَا قُلْتَ وَ فَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ اللَّهُمَّ خُذْ
 لَنَا بِحَقِّنَا وَ انْتَقِمْ مِنْ ظَالِمِنَا وَ أَحِلِّمْ غَضَبَكَ بِمَنْ سَفَكَ دِمَاءَنَا وَ قَتَلَ حُمَاتِنَا فَوَ اللَّهُ مَا فَرِيتَ
 إِلَّا جِلْدَكَ وَ لَا حَزْرَتَ إِلَّا لِحَمَكِ وَ لَتَرِدَنَّ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِمَا تَحَمَّلْتَ مِنْ سَفَكِ
 دِمَاءِ ذُرِّيَّتِهِ وَ انْتَهَكْتَ مِنْ حُزْمَتِهِ فِي عَشْرَتِهِ وَ لِحَمَّتِهِ حَيْثُ يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَهُمْ وَ يَلْمُ شَعْنَهُمْ
 وَ يَأْخُذُ بِحَقِّهِمْ «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفُقُونَ»
 (آل عمران، ۱۶۹).

وَ حَسْبُكَ بِاللَّهِ حَاكِمًا وَ بِمُحَمَّدٍ ﷺ حَصِيمًا وَ بِجَبْرِئِيلَ ظَهِيرًا وَ سَيَعْلَمُ مَنْ سَوَّلَ لَكَ وَ
 مَكَّنَكَ مِنْ رِقَابِ الْمُسْلِمِينَ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَ أَيُّكُمْ سَرَّ مَكَانًا وَ أَصْعَفَ جُنْدًا وَ لَسِنَ
 جَرَّتْ عَلَيَّ الدَّوَاهِي مُخَاطَبَتِكَ إِنِّي لِأَسْتَضْعِفُ قَدْرَكَ وَ أَسْتَعْظِمُ تَقْرِيْعَكَ وَ أَسْتَكْبِرُ تَوْبِيْحَكَ
 لَكِنَّ الْعَيْوْنَ عِبْرَى وَ الصُّدُورَ حَرَى أَلَا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِقَتْلِ حِزْبِ اللَّهِ النُّجَبَاءِ بِحَرْبِ
 الشَّيْطَانِ الطُّلَقَاءِ فَهَذِهِ الْأَيْدِي تَنْطَفُ مِنْ دِمَائِنَا وَ الْأَفْوَاهُ تَتَحَلَّبُ مِنْ لُحُومِنَا وَ تِلْكَ الْجُنُتُ
 الطَّوَاهِرُ الرِّوَاكِي تَتَنَابَهَا الْعَوَاسِلُ وَ تُعَفِّرُهَا أُمَّهَاتُ الْفِرَاعِلِ وَ لَسِنِ اتَّخَذْتَنَا مَعْنَمَا لَتَجِدْنَا
 وَ شَيْكَأ مَعْرَمًا حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ فَإِلَى اللَّهِ الْمُشْتَكِي وَ
 عَلَيْهِ الْمُعَوَّلُ فَكَيْدُ كَيْدِكَ وَ اسْعَ سَعْيِكَ وَ نَاصِبُ جُهْدِكَ فَوَ اللَّهُ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتْ
 وَحِينًا وَ لَا تُدْرِكْ أَمَدَنَا وَ لَا تَوْحَضْ عَنْكَ غَارَهَا وَ هَلْ رَأَيْتَ إِلَّا فَنَدًا وَ أَيَّامًا إِلَّا عَدَدًا وَ
 جَمْعًا إِلَّا بَدَدًا يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي
 حَتَمَ لِأَوْلِنَا بِالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ لِآخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمْ
 الثُّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمْ الْمَزِيدَ وَ يُحْسِنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَدُودٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ
 الْوَكِيلُ (سيد بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

۳-۲-۱. مولفه‌های خطبه

با عنایت به اینکه این خطبه حیدری پس از مرارت‌های روحی در کوفه و مجلس عیدالله و مشقت‌های جسمی و روانی مسیر طولانی کوفه تا شام و آن وضعیت فجیع شامیان در ورودی شهر شام و اکنون در مجلس یزید آن‌هم در مقابل تشنه طلا و سر بریده جانان زینب، در حقیقت معجزه‌گونه است، واکاوی آن می‌تواند نکات مهم و مؤلفه‌های تبیینی قابل توجه‌ای داشته باشد در ادامه برخی از آنها را بر می‌شماریم.

۳-۲-۱-۱. آشکارکردن ماهیت دشمن

یکی از مولفه‌های تاثیرگذار در رفتار فردی و اجتماعی افراد در زندگی جمعی، دشمن‌شناسی است. چون دشمن فرد یا اجتماع، خواه داخلی باشد و یا خارجی، تلاش می‌کند تا ظاهری متفاوت، خیرخواه و گاه دلسوز از خود نشان دهد تا از این روش اهداف خود را دنبال کند. یکی از وظایف مهم تبیین‌کنندگان، آشکارساختن چهره واقعی دشمن است. این مهم را از خطبه غرای زینب کبری علیها السلام در مجلس یزید باید آموخت؛ آنجا که می‌فرماید: «چگونه امید دلسوزی و غم‌گساری باشد از فرزند کسی که جگرهای پاکان را به دهان گرفته و گوشت وی از خون شهداء پرورش یافته است؟! و چگونه در دشمنی ما اهل البیت علیهم السلام کندی ورزد آنکه نظرش به ما نظر دشمنی و کینه‌توزی است؟!» آری مردم باید بدانند آنکه را به عنوان امیرالمومنین خطاب می‌کنند بهره‌ای از اسلام ناب محمدی نگرفته و همان کافرانی هستند که به دست محبت رسول الله صلی الله علیه و آله در مکه آزاد شدند. مردم شام باید دریابند که این حاکم ظالم چه دشمنی با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او دارد (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴). آن حضرت با انتخاب این آیه که «گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم، (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود» (آل عمران، ۱۷۸). در حقیقت به همگان فهماند که یزید، کافر و یکی از مصادیق آشکار این آیه شریفه است.

امروز که اسلام ناب در غربت است و مومنان و شیفتگان آموزه‌های علوی در تنهایی روزگار سر می‌کنند و همه دشمنی‌های عالم متوجه آنها بوده همه دشمنان داخلی و خارجی با ابزارهای قوق تصور مجازی و حقیقی در پی نابودی آن هستند، بیش از هر وقت دیگر نیاز به شناسایی ماهیت دشمن است و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب با جهاد تبیین باید همانند بانوی تبیین‌گر کربلا، خباثت درونی و بیرونی دشمن را برای مردم آشکار کنند.

۳-۲-۲. تبیین و تحلیل رفتار دشمن

یکی امور مهم در فرایند تبیین و روشنگری، تبیین و تحلیل رفتار دشمن است و این غیر از ماهیت خود دشمن است، چه اینکه گاهی دشمن به ظاهر رفتاری قابل قبول از خود بروز داده تا از این روش اعتمادسازی کند، افراد نیز در مقابل احسان و رفتار مناسب ممکن است ماهیت واقعی دشمن را نادیده گرفته و از اهداف او غافل شوند. اینجاست که تبیین‌گر باید با پیروی از خطیب عالمه شام رفتار دشمن را تحلیل کرده و مرد و زن جامعه را از ماهیت رفتار دشمن آگاه کند تا در بند مکر دشمن قرار نگیرند. همان‌طوری که شامیان گمان می‌کردند که یزید در مقابل خارجیان از دین و مملکت پیروز شده و اکنون جشن پیروزی گرفته و اعیان داخلی و خارجی را میهمان جشن خود کرده است، دختر حیدر کرار در آن مجلس با تحلیل رفتار یزید به آنان فهماند که چگونه اسیر کید این فرد بی‌دین و دشمن اهل بیت علیهم‌السلام شدند. آنجا که می‌فرماید: «ای یزید! دست مریزاد، در حالی که با تازیانه و عصایت بر دندان‌های پیشین ابی عبد الله علیه‌السلام بزنی. چرا چنین نگوئی، و حال آنکه از قرحه و جراحت پوست برداشتی و با ریختن خون ذریه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که ستارگان زمین از آل عبدالمطلب‌اند خاندان او را مستأصل کردی و نیاکان خود را می‌خوانی، و به گمان خود آنها را ندا در می‌دهی» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴). در بخش دیگر خطبه دارد که: «آیا این از عدل است ای فرزند آزادشده‌ها که زنان و کنیزان تو در پس پرده باشند و دختران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اسیر؟! پرده‌های حُرمتشان را دریدی، و چهره‌هایشان را آشکار کردی، آنان را چونان

دشمنان از شهری به شهری کشاندی، ساکنان منازل و مناهل (بومی و غریب) بر آنان اشراف یافتند، و مردم دور و نزدیک و پست و فرومایه و شریف چهره‌هایشان را نگریستند، در حالی که از مردان آنان حامی و سرپرستی همراهشان نبود» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

۳-۲-۱-۳. دادخواهی و محاکمه دشمن

یکی از مؤلفه‌های تبیینی موجود در خطبه شام، دادخواهی و محاکمه یزید توسط خطیب است، و این امر در فرایند تبیین بسیار مهم و قابل توجه است. چه اینکه نشان می‌دهد که تبیین گر باید در جریان روشنگری بر دشمن برتری داشته و به تعبیر عامیانه؛ دست بالا داشته باشد تا تاثیر گذاری آن بیشتر باشد. حضرت در ابتدای خطبه می‌فرماید: «حمد خدای، پروردگار جهانیان را سزاست، و درود خدا بر محمد و بر همه آل او باد» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴). خداوند راست می‌فرماید: سپس پایان کار آنان که بد کردند این است که آیات خدا را تکذیب کرده و بدان‌ها استهزا کنند (روم، ۱۰). ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتی و بستی و ما چونان کنیزان رانده شدیم، مایه خواری ما و موجب کرامت توست؟! و حکایت از عظمت مکان تو دارد که این چنین باد در بینی انداخته‌ای، و برق شادی و سرور از دیدگان می‌جهد، حال که دنیا را برای خود مرتب و امور را برایت منظم می‌بینی، و ملک و سلطنت ما برایت صافی گردیده. لختی آرام گیر! (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴)، مگر سخن خدای را فراموش کرده‌ای که فرمود: «گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم، (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود (آل عمران، ۱۷۸)».

در بخش دیگر از این دادخواهی می‌فرماید: «ای یزید! همین قدر تو را بس است که خدای داور، و محمد ﷺ دشمنت و صاحب خون، و جبرئیل پشت و پشتوان باشد، و زود است بداند آن کس که فریبت داد و تو را بر گرده مسلمانان سوار کرد، چه بد جانشینی

برگزیده و کدام یک مکانتی بدتر داشته نیرویی اندک تر دارد. یزید، گرچه دواهی و بلاهای زیاد از تو بر من فرود آمد ولی همواره قدر تو را ناچیز می داند فاجعات را بزرگ، و نکوهشت را بزرگ می شمرم، چه کنم که دیدگان، اشکبار و سینه ها سوزان است» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

۳-۲-۱-۴. تبیین ناکامی دشمن

یکی دیگر از مؤلفه های خطبه شام، روشنگری ناتوانی و نبود توفیق مستمر دشمن است، چه اینکه ممکن است دشمن چند صباحی بر طبل شادی بکوبد و سرمست پیروزی ظاهری خود باشد، اما این سنت الهی است که عمر کید و عداوت دشمن، طولانی نیست، بنابراین تبیین کننده نباید از این مهم در فرایند تبیینی خود غافل باشد و می باید هم در مقابله با دشمن متذکر ناکامی اش شود و هم مردم خود را از پایان کار دشمن آگاه نماید. چنانچه بانوی کربلا در خطبه شام خود در مقابل دشمن چنین کرده و فرمودند: «هر کید و مکر، و هر سعی و تلاش که داری به کار بند، سوگند به خدای که هرگز نمی توانی، یاد و نام ما را محو و وحی ما را بمیرانی، چه دوران (ماندگاری) ما را درک نکرده، این عار و ننگ از تو زدوده نگردد. آیا جز این است که رأی تو سست است و باطل، و روزگارت محدود و اندک، و جمعیت تو پراکنده گردد، آری، آن روز که ندا رسد: أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. پس حمد فقط از آن خدای پروردگار جهانیان است که برای اول ما سعادت و مغفرت، و برای آخر ما شهادت و رحمت مقرر فرمود. از خدا مسئلت می کنیم ثواب آنان را تکمیل فرموده و موجبات فزونی آن را فراهم آورد، و خلافت را بر ما نیکو گرداند، چه او رحیم و ودود است، خدای ما را بس است چه نیکو و کیلی است» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

۳-۳. مقایسه تبیینی دو خطبه کوفه و شام

بعد از مرور برخی از مؤلفه های دو خطبه با شکوه و حیدری بانوی کربلا، نباید از این حقیقت غافل شد که این دو خطبه از جهاتی با یکدیگر قابل مقایسه است، از جهات

جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، دین‌شناختی و... با توجه محدودیت پژوهشی فقط از بعد جامعه‌شناختی آن هم به صورت اختصار می‌توان نکاتی را بیان کرد.

۳-۱- تفاوت شهر شام و کوفه

نخستین نکته قابل توجه در مقایسه دو خطبه این است که کوفه و شام به عنوان دو شهر از بلاد اسلامی در وضعیت یکسانی نبودند، یکی از محرومیت‌های بزرگ شام، نبود حضور حاکمان لایق و نبود بهره‌مندی مردم آن از آموزه‌های ناب اسلامی بوده است، حاکمانی بر آنان حکمرانی می‌کردند که نه فقط از اسلام ناب طرفی نبسته بودند بلکه همه توان خود را در جهت نابودی آن برداشته و از نام محمد ﷺ بر مآذنه بر می‌آشفتند! این در حالی است که کوفه، حاکمی چون علی علیه السلام - که منصوب الهی است - را تجربه کرده و آموزه‌های علوی را به گوش شنیده و به چشم دیده رفتار حیدری را، در و دیوار کوفه بوی حیدر داده و مردم کوفه نه تنها جانفشانی‌های علوی را در حفظ و حراست از آموزه‌های نبوی دیدند، بلکه ناله‌های شبانه علی را به گوش شنیده بودند، به گونه‌ای با صدای علی آشنا بودند که پس از بیست سال وقتی نوای حیدری زینب سلام الله علیها را در دروازه کوفه شنیدند، سرآسیمه به سوی آن حرکت کرده و گمان کردند علی زنده شد! به همین جهت ملاحظه شد که شیوه خطبه و تبیین‌گری بانوی نینوا در کوفه با خطبه آن حضرت در شام متفاوت بوده است.

چنانچه دیدیم در کوفه روی سخن تبیین‌کننده کربلا، عموم مردم است، فریاد زینب علیها السلام بر مردم است که: «ای کوفیان! ای نیرنگ‌بازان و پیمان‌شکنان و بی‌وفایان و مکرپیشه‌گان! هرگز اشک چشمانتان خشک مباد و ناله‌هایتان آرام نگیرد» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴). اما در شام، مخاطب اصلی خطیب مجلس جشن، شخص یزید و اجداد ستمگر اوست چون مردم مستضعف فکری شام، مبتلا به حاکمان غاصبی بودند که جز دشمنی در برابر اهل بیت رسول الله ﷺ چیزی ندیده و نشنیده بودند، بنابراین سخنش را این‌گونه شروع می‌کند: «ای یزید، آیا گمان برده‌ای حال که جای جای زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتگی و بستی و ما چونان کنیزان رانده

شدیم، مایه خواری ما و موجب کرامت توست؟!» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

۳-۳-۲. تفاوت در شیوه تبیین‌گری

نکته دومی که در مقایسه این دو خطبه قابل توجه و الگوگیری برای تبیین‌گری است شیوه‌ای است که بانوی کربلا در این دو خطبه انتخاب کرده است، چون نحوه روشنگری‌اش در خطبه کوفه با آنچه که در شام انجام داده، متفاوت است. در کوفه که مخاطب زینب کبری علیها السلام عموم مردم هستند، جنبه روانی و عاطفی‌اش پررنگ‌تر است و بیشتر جنبه تنبه و یادآوری دارد؛ چه اینکه اکثریت مخاطبان، همان کسانی هستند که بارها در مقابل امام المومنین علی علیه السلام زانو زده و معارف علوی را نوش کرده بودند و امروز برخی از آنها در اثر ترس و گروهی به جهت دل بستگی به دنیا و خوی جاهلی و البته تعدادی به جهت بی‌بصیرتی در برابر حوادث واقعه و زمان، از یاری فرزند زهرا در کربلا دست کشیده بودند و سبب غربت امام معصوم و یارانش در سرزمین طف شدند. حضرت در خطبه‌هایش آنان را در برابر عملشان سرزنش کرده و مورد عتاب قرار داده و فرمود: «اما بعد! ای کوفیان! ای نیرنگ‌بازان و پیمان‌شکنان و بی‌وفایان و مکر پیشه‌گان! هرگز اشک چشمانتان خشک مباد و ناله‌هایتان آرام نگیرد. شما همانند آن زنی هستید که رشته خود را پس از بافتن و تاییدن و می‌تایید... آیا برای برادرم گریه می‌کنید؟ آری به خدا سوگند باید که بگریید، چرا که شما شایسته گریستن‌اید؛ پس فراوان گریه کنید و اندک بخندید، چرا که ننگ گریبان شما را گرفت و لکه آن برای همیشه به دامن شما نشست که هرگز نمی‌توانید آن را پاک کنید» (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

چنانچه می‌بینیم حضرت در این خطبه، مخاطبان را در برابر اشتباه بزرگی که کردند، مورد سرزنش قرار داده تا درون خفته‌شان بیدار شود. صدالبته این شیوه کارساز شده و نتیجه‌اش آن شد که بیش از پنج هزار نفر از میان مردم کوفه با چشمانی گریان و با شمشیر آخته خویش به خونخواهی سیدالشهدا علیه السلام به پا خواسته و با شعار یالثارات الحسین علیه السلام با سربازان اموی درگیر شده و همگان به شهادت رسیدند.

اما شیوه آن حضرت در شام متفاوت است؛ چه اینکه در آنجا با مخاطبی سخن می‌گوید که بویی از معارف اسلامی نبرده و اعتقادی به خدا و قیامت نداشته و قلقل دیگ شراب نقد و حرمسرای کنیزکان حاضرش را بر حوریان و شراب ناب بهشت ترجیح می‌دهد! در این مجلس، نه تنها شیوه خطابه‌اش عاطفی نیست بلکه با شمشیر سخن، آن سگ‌باز و مست بی‌دین را به محاکمه کشانده و نهیب می‌زند که گمان نکند که او پیروز این معرکه است بلکه آنکه نام و یادش می‌ماند و بالندگی می‌کند، خاندان عترت و نوادگان نبی مکرم ﷺ هستند، او جز عذاب دردناک و بدنامی چیزی به دست نیاورده است. بنابراین این گونه او را مورد خطاب قرار می‌دهد: «ای یزید! آیا گمان برده‌ای حال که جای زمین و آفاق آسمان را بر ما گرفتی و بستی و ما چونان کنیزان رانده شدیم، مایه خواری ما و موجب کرامت توست!! و حکایت از عظمت مکانت تو دارد که این چنین باد در بینی انداخته‌ای، و برق شادی و سرور از دیدگانت می‌جهد، حال که دنیا را برای خود مرثب و امور را برایت منظم می‌بینی، و ملک و سلطنت ما برایت صافی گردیده (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴). لختی آرام گیر، مگر سخن خدای را فراموش کرده‌ای که فرمود: «گمان مبرند آنان که کافر شدند و ما آنان را مهلت دادیم، (این مهلت) برای آنان خیر است، ما همانا مهلت دادیم آنان را که بر گناه خود بیفزایند و برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود (آل‌عمران، ۱۷۸)».

۳-۳-۳. تفاوت در چگونگی هم‌آوردی

یکی از تفاوت‌هایی که در دو خطبه قابل ملاحظه است، نوع مقابله حضرت به لحاظ شخصیت فردی و خانوادگی خود با مخاطبان است، در کوفه با توجه به شناختی که مردم از کاروان کربلا و شهدای سرزمین طف دارند، حضرت لازم نمی‌بیند که از شخصیت خود و سالار شهیدان سخنی به میان بیاورد؛ چه اینکه چند سال در میان آنها زندگی کرده بودند و مردم نیز آنان را به خوبی می‌شناختند؛ از این رو، حضرت آنان را مورد شماتت قرار داده و گذشته‌شان را یادآوری کرده و از وضعیت حال آنها سخن گفته و در برابر آینده‌شان هشدار داد. اما در خطبه مجلس یزید، لازم است تا مردم

ناآگاه شام را از شخصیت رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام طاهرینش آگاه کند تا آنان بدانند که یزید چه کسانی را خارجی خطاب می‌کند. در آنجا که می‌فرماید: «شگفتا و بس شگفتا! کشته شدن حزب الله نجیبان به دست حزب شیطان طلقاء است، از دست‌های پلیدشان خون‌های ما می‌چکد، و دهان‌های ناپاکشان از گوشت ما می‌خورد، و آن جسدهای پاک و پاکیزه با یورش گرگ‌های درنده روبروست، و آثارشان را گفتارها محو می‌کند... گمان می‌کنی ما را غنیمت گرفتی، زود است که دریایی غنیمت نه، که غرامت بوده است، آن روز که جز آنچه دست‌هایت از پیش فرستاده نیایی، و پروردگارت ستمگر بر بندگانش نیست، و شکایت‌ها به سوی خداست... هر کید و مکر، و هر سعی و تلاش که داری به کار بند، سوگند به خدای که هرگز نمی‌توانی، یاد و نام ما را محو و وحی ما را بمیرانی، (تو ماندگاری) ما را درک نکرده، این عار و ننگ از تو زودده نگرده. آیا جز این است که رأی تو سست است و باطل، و روزگارت محدود و اندک، و جمعیت تو پراکنده گردد، آری، آن روز که ندا رسد: *أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ*. پس حمد فقط از آن خدای پروردگار جهانیان است که برای اول ما سعادت و مغفرت، و برای آخر ما شهادت و رحمت مقرر فرمود. از خدا مسئلت می‌کنیم ثواب آنان را تکمیل فرموده و موجبات فزونی آن را فراهم آورد، و خلافت را بر ما نیکو گرداند، چه او رحیم و ودود است، خدای ما را بس است چه نیکو و کیلی است (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

در جای دیگر می‌فرماید: «آیا این از عدل است ای فرزند آزادشده‌ها که زنان و کنیزان تو در پس پرده باشند و دختران رسول الله اسیر؟! پرده‌های حُرمتشان را دریدی، و چهره‌هایشان را آشکار کردی، آنان را چونان دشمنان از شهری به شهری کشاندی، ساکنان منازل و مناهل (بومی و غریب) بر آنان اشراف یافتند، و مردم دور و نزدیک و پست و فرومایه و شریف چهره‌هایشان را نگریستند، در حالی که از مردان آنان حامی و سرپرستی همراهشان نبود. چگونه امید دلسوزی و غمگساری باشد از فرزند کسی که جگرهای پاکان را به دهان گرفته و گوشت وی از خون شهداء پرورش یافته است؟! و چگونه در دشمنی ما اهل البیت علیهم السلام کُندی ورزد آنکه نظرش به ما نظر دشمنی و کینه‌توزی است؟! (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

آری، برای اینکه شامیان بدانند که این به ظاهر اسیرانی که در مقابل دیدگانشان مورد بی حرمتی قرار گرفته‌اند نوادگان رسول الله و از پاک‌سرشتانی هستند که از طرف بازماندگان هند جگرخوار مورد ستم قرار گرفته و به جای حرمت نگه‌داشتن از کسانی که موجبات آزاد شدنشان را فراهم کردند، آنان را در خرابه شام زندانی کردند! (سید بن طاوس، ۱۳۹۶، صص ۲۲۰-۲۱۴).

حضرت با این نوع مقابله و هم‌آوردی در حقیقت نشان داده است که تبیین‌گر باید به گونه‌ای رفتار کند که جای مظلوم و ظالم عوض نشود. یزید سعی داشت با جشن پیروزی خود این‌گونه جلوه دهد که با تلاش خود جلوی انحراف در دین را گرفته و خارجیان از دین و مملکت را از پای در آورده است. بانوی کربلا با خطبه آتشین خود کاخ اندیشه‌اش را به آتش کشید.

امروزه نیز این واقعیت را در دنیای معاصر به خوبی می‌توان مشاهده کرد، چه اینکه زراندوزان و زیاده‌خواهان عالم آشکارا با بهره‌گیری از فناوری پیشرفته رسانه‌ای خود به آسانی جای حق و باطل را عوض کرده و خود را به عنوان حق‌مدران و ناجیان عالم معرفی کرده و تمام‌قد در مقابل انقلابی که ریشه در معارف وحیانی و آموزه‌های بلند نبوی دارد، ایستاده و با همه توان خود در صدد زمین‌گیر کردن آن بوده و حتی جوانان داخل نظام را نسبت به آن بدبین کنند. اینجاست که سکاندار کشتی انقلاب اسلامی در دریای پرتلاطم تزویر خطاب به جوان می‌فرماید: «شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوه دل ملت و امید آینده این کشورید، به مسئله «تبیین» اهمیت بدهید. بسیاری از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه‌داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به‌خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در ابتدای این مقاله اشاره شد، تبیین و روشن‌گری در عرصه اندیشه و به ویژه در میدان عمل از بایسته‌هایی است که غفلت از آن پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت، به همین خاطر خدای حکیم نیز از یک سو هرگونه تکلیفی را بر پایه آن بنا نهاده و نبود گاهی را معیار رفع قلم برشمرده و از دیگر سو نیز از عالمان تعهد گرفته است تا در جهت آگاهی‌بخشی تلاش کنند. انقلاب اسلامی ایران بی‌تردید یکی از پدیده‌های سیاسی-اجتماعی مهم پایان سده بیستم بود که نه تنها ظهورش، بلکه استمرار آن بسیاری از معاملات و اتفاقات ملی و بین‌المللی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است، به روشنی دیدیم که استمرار آن، زیاده‌خواهان را عصبانی کرده و همواره در تلاش بوده تا آن را میدان خارج کنند. بنابراین رهبر فرزانه انقلاب به عنوان سکاندار انقلاب بارها تبیین آن را مورد تأکید قرار داده و به صراحت اندیشمندان و آگاهان را تکلیف کرده تا با توانمندی خود نسل نو را از واقعیت‌های انقلاب آگاه کرده و با جهاد تبیین خود، از نعمت بزرگ انقلاب اسلامی نگهداری و حفاظت کنند.

نگارنده که خود را مخاطب فرمان رهبر انقلاب می‌داند، برای اینکه بتواند گامی هرچند کوچک در مسیر این جهاد مهم بردارد به سراغ خطبه‌های غرا و آتشین بانوی بزرگ کربلا، در کوفه و شام رفته تا از طریق تحلیل محتوای آن سخنان علی‌گونه، مؤلفه‌های تبیینی را که در حقیقت در ماندگاری نهضت حسینی و پیام مهم سالار کربلا بسیار تأثیرگذار بود، بازخوانی نماید. پس از مطمع نظر قراردادن آن خطبه‌ها، البته با توجه به توان اندک خود دریافتیم که اولاً تبیین، امری اجتناب‌پذیر بوده و هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند موجب حتی تاخیر آن گردد، چه اینکه تاریخ گواهی می‌دهد بانویی که دیروز داغ شش برادر و دو فرزند و برخی از بستگان و اصحاب با وفای پدرش را دیده و اکنون به صورت اسیری به سوی شام می‌رود، باید چنان پریشان و افسرده حال و ناتوان باشد که حتی سخن‌گفتن عادی خویش را فراموش کند. اما هنگامی که می‌بینیم همچون شیری می‌غرّد و همچون طوفانی سهمگین می‌خروشد و سیلی از ملامت و سرزنش را به سوی بی‌وفایان کوفه سرازیر می‌سازد و قلوب و عواطف را تسخیر

می‌کند و بذر انقلاب را بر ضد حکومت جائر بنی امیه در سرزمین دل‌ها می‌پاشد. ثانیاً علی‌رغم وجود غم سنگین در سینه و خستگی طی طریق سفر از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام، به خوبی با مؤلفه‌هایی چون: یادآوری گذشته، بررسی وضع حال، هشدار در برابر آینده در خطبه کوفه. همچنین آشکار کردن ماهیت دشمن، تحلیل پلیدی رفتار او، تبیین ناکامی‌اش و البته دادخواهی و محاکمه دشمن در خطبه شام، نه تنها نقشه شوم ابوسفیانی بنی‌امیه را برملا ساخته و موجبات رسوایی‌شان را فراهم نمود بلکه اجازه نداد کربلا در کربلا بماند، بلکه پیام آزادگی شهدای کربلا در مقابل ستمگران و صدا البته اوج بندگی و عبودیت به خون خفتگان سرزمین طف نزد خدای بزرگ را به رخ همگان کشید.

تلاش کردیم تا مؤلفه‌های خطبه‌ها را از یک سو و مقایسه این دو خطبه از دیگر سو را در اختیار علاقه‌مندان و جهادگران عرصه تبیین و روشنگری قرار دهیم تا با استفاده از آن بتوانند و بتوانیم برای حفاظت از انقلاب ارزشمندی که توسط امام راحل و همراهان او بر پایه معرف و حیانی و آموزه‌های علوی در ایران شکل گرفته و علی‌رغم فشارهای سنگین و طاقت‌فرسای دشمنان ره‌آوردهای مادی و معنوی فراوان داشته است، استفاده کرده و از طریق بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها به جهاد تبیین از این انقلاب اسلامی پردازیم.

فهرست منابع

۱. ابی منصور أحمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی. (۱۳۸۶ق). احتجاج طبرسی (ج ۲). نجف اشرف: طبع فی مطابع النعمان النجف الأشرف حسن الشیخ إبراهیم الکتبی.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۰۷/۰۵). در بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای: <https://b2n.ir/x45259>.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۰۹/۲۱). بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای: <https://b2n.ir/m47405>.
۴. سید بن طاوس. (۱۳۹۶). اللهوف علی قتلی الطفوف (مترجم: علیرضا رجالی تهرانی). تهران: نشر نبوغ.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (ج ۲، مترجم: سیدمحمد خامنه‌ای). قم: دارالعلم.
۶. عمید، حسن. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
۷. قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. نجفی، محمدحسن. (۱۴۳۲ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۰. نقدی، جعفر. (۱۳۹۴). زینب کبری. تهران: نشر هادی.
۱۱. وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ اکبریان، رضا و صادق زاده، علیرضا. (۱۳۹۲). تحلیلی مفهومی از روش تبیین و کاربرد آن در تربیت اخلاقی با تأکید بر تفسیر المیزان. دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت سلامت، ۸(۱۷)، صص ۱۷۱-۱۹۱.
۱۲. الهی، حسن. (۱۳۷۵). زینب کبری علیها السلام عقیده بنی‌هاشم. تهران: موسسه فرهنگی آفرینه.

References

1. al-Tabarsi, A. (1386 AH). *Ihtijaj Tabarsi*. (Vol. 2). Najaf Ashraf: Nu'man Al-Najaf Al-Ashraf, by Sheikh Ibrahim Al-Katbi. [In Arabic]
2. Amid, H. (1363 AP). *Amid Persian dictionary*. Tehran: AmirKabir. [In Persian]
3. Elahi, H. (1375 AP). *Zainab Kobra (PBUH), Aqila Bani Hashem*. Tehran: Afarine Cultural Institute. [In Persian]
4. Khamenei, S. A. (07/05/1400 AP). Statements at the end of Hosseini's Arbaeen mourning ceremony. Retrieved from: Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works <https://b2n.ir/x45259>
5. Khamenei, S. Ali. (21/9/1400 AP). Statements at the meeting with nurses and families of health martyrs. Retrieved from: Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works <https://b2n.ir/m47405>
6. Majlesi, M. B. (1413 AH). *Bihar Al-Anwar*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
7. Najafi, M. H. (1432 AH). *Jawahir al-kalam fi sharh shara'i' al-islam*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation of Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
8. Naqdi, J. (1394 AP). *Zainab Kobra*. Tehran: Hadi. [In Persian]
9. Qarshi Banaei, A. A. (1361 AP). *Qamus-e Qur'an*. Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Arabic]
10. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 2, S. M. Khamenei, Trans.). Qom: Dar al-Elm. [In Arabic]
11. Tawus, A. (1396 AP). *Al-Luhuf ala qatla l-tufuf* (A. R. Rejali Tehrani, Trans.). Tehran: Nobough. [In Arabic]
12. Vojdani, F., Imani, M., Akbarian, R., & Sadeqzadeh, A. R. (1392 AP). A conceptual analysis of the method of explanation and its application in moral education with emphasis on the Tafsir al-Mizan. *Health education*, 8(17), pp. 171-191. [In Persian]